

نخست متن عربی این بیانیه که در مورد محکوم ساختن خشونت های وهابیان

است، تقدیم می گردد:

بیان من هیئة كبار العلماء

الحمد لله، و الصلاة و السلام على رسول الله، و على آله و صحبه و من اهتدى بهداه،

أمّا بعد:

فقد درس مجلس هیئة كبار العلماء فی دورته التاسعة و الأربعین المنعقدة بالطائف

ابتداء من تاریخ ۱۴۱۹/۴/۲ هـ ، ما یجرى فی كثير من البلاد الاسلامیة و غيرها

من التكفير و التفجير، و ما ینشأ عنه **من سفک الدماء، و تخريب المنشآت و نظراً**

الی خطورة هذا الامر، و ما یترتب علیه من إزهاق أرواح بريئة، و إتلاف أموال

معصومة، و إخافة للناس، و زعزعة لأمنهم و استقرارهم، فقد رأى المجلس إصدار

بيان يوضح فيه حكم ذلك نصحاً لله و لعباده، و ابراء للذمة، و إزالة للبس

[١٧٠]

فى المفاهيم لدى مَنْ اشتبه عليه الأمر فى ذلك، فنقول و بالله التوفيق:

أولاً : التكفير حكم شرعى، مردّه الى الله و رسوله، فكما أنّ التحليل و التحريم و

الإيجاب، إلى الله و رسوله، فكذلك التكفير، و ليس كلّ ما وصف بالكفر من قول

أو فعل، يكون كفراً أكبر، مخرجاً عن الملة.

و لما كان مردّ حكم التكفير إلى الله و رسوله لم يَجُزْ أن نُكْفِرَ إلاّ من دلّ الكتاب و

السنة على كفره دلالة واضحة، فلا يكفى فى ذلك مجرد الشبهة و الظن، لما يترتب

على ذلك من الأحكام الخطيرة، و إذا كانت الحدود تُدرأ بالشبهات، مع أن ما

يترتب عليها أقل مما يترتب على التكفير، فالتكفير أولى أن يدرأ بالشبهات؛ و لذلك

حذر النبي (صلى الله عليه وآله) من الحكم بالتكفير على شخص ليس بكافر، فقال :

«أيما امرئ قال لآخيه: يا كافر، فقد باء بها أحدهما، ان كان كما قال و إلا رجعت

عليه». و قد يرد في الكتاب و السنة ما يفهم منه أن هذا القول أو العمل أو الاعتقاد

كفر، و لا يكفر من اتصف به، لوجود مانع يمنع من كفره، و هذا الحكم كغيره من

الاحكام التي لا تتم إلا بوجود أسبابها و شروطها، و انتفاء موانعها كما في الإرث،

سببه القرابة - مثلا - و قد لا يرث بها لوجود مانع كاختلاف الدين، و هكذا الكفر

يكره عليه المؤمن فلا يكفر به. و قد ينطق المسلم بكلمة الكفر لغلبة فرح أو غضب

أو نحوهما فلا يكفر بها لعدم القصد، كما في قصة الذي قال : «اللهم أنت عبدى و

أنا ربك» أخطأ من شدة الفرح.

و التسرع في التكفير يترتب عليه أمور خطيرة من استحلال الدم و المال، و منع التوارث، و فسخ النكاح، و غيرها مما يترتب على الردة، فكيف يسوغ للمؤمن أن يقدم عليه لأدنى شبهة.

و جملة القول: أن التسرع في التكفير له خطره العظيم؛ لقول الله عز و جل: (قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْأَثَمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ). (١)

ثانياً : ما نجم عن هذا الاعتقاد الخاطيء من استباحة الدماء و انتهاك الأعراض، و سلب الأموال الخاصة و العامة، و تفجير المساكن و المركبات، و تخريب المنشآت، فهذه الأعمال و أمثالها محرمة شرعاً بإجماع المسلمين؛ لما في ذلك من هتك لحرمة الأنفس المعصومة، و هتك لحرمة الأموال، و هتك لحرمة الأمن و

الاستقرار، و حياة الناس الآمنين المطمئنين في مساكنهم و معاشهم، و غدوهم و

رواحهم، و هتك للمصالح العامة التي لا غنى للناس في حياتهم عنها.

و قد حفظ الإسلام للمسلمين أموالهم و أعراضهم و أبدانهم و حرم انتهاكها، و شدّد

في ذلك و كان من آخر ما بلغ به النبي (صلى الله عليه وآله) أمته فقال في خطبة حجة

الوداع: «إنّ دماءكم و أموالكم و أعراضكم عليكم حرام كحرمة يومكم هذا في

شهركم هذا، في بلدكم هذا». ثم قال (صلى الله عليه وآله) : «ألا هل بلغت؟ اللهم

فاشهد». متفق عليه.

١. أعراف، آيه ٣٣ .

و قال (صلى الله عليه وآله) : « كل المسلم على المسلم حرام دمه و ماله و عرضه».

و قال عليه الصلاة و السلام : « اتقوا الظلم فإن الظلم ظلمات يوم القيامة».

و قد توعد الله سبحانه من قتل نفساً معصومةً بأشدّ الوعيد، فقال سبحانه في حقّ

المؤمن : (وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ

وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا). (١)

و قال سبحانه في حقّ الكافر الذى له ذمّة، فى حكم قتل الخطأ: (إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ

كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةً) (٢) فاذا كان الكافر الذى له

أمان إذا قتل خطأ، فيه الدية و الكفارة، فكيف إذا قتل عمداً، فان الجريمة تكون

أعظم، و الإثم يكون أكبر. و قد صحّ عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) إنه قال:

«من قتل معاهداً لم يرح رائحة الجنة».

ثالثاً: إنّ المجلس اذ يبين حكم تكفير الناس بغير برهان من كتاب الله و سنّه

رسوله (صلى الله عليه وآله) و خطوره اطلاق ذلك، لما يترتب عليه من شرور و آثام،

فإنّه يعلن للعالم أنّ الإسلام برىء من هذا المعتقد الخاطئ، و أن ما يجرى فى بعض

البلدان من سفك الدماء البريئه، و تفجير للمساكن و المركبات و المرافق العامه و

الخاصه، و تخريب للمنشآت هو عمل إجرامى، و الإسلام برىء منه، و هكذا كلّ

مسلم يؤمن بالله و

١. نساء، آيه ٩٣ .

٢. نساء، آيه ٩٢ .

اليوم الآخر برىء منه، و إنما هو تصرف من صاحب فكر منحرف، و عقيدة ضالة،

فهو يحمل إثمه و جرمه، فلا يحتسب عمله على الإسلام، و لا على المسلمين

المهتدين بهدى الإسلام، المعتصمين بالكتاب و السنة، المستمسكين بحبل الله

المتين، و إنما هو محض إفساد و إجرام تأباه الشريعة و الفطرة؛ و لهذا جاءت

نصوص الشريعة قاطعة بتحريمه، محذرة من مصاحبة أهله...

رئيس المجلس

عبدالعزیز بن عبد اللہ بن باز

صالح بن محمد اللحیدان عبد اللہ بن عبد الرحمن البسام عبد اللہ بن سلیمان بن تقنیع

عبدالعزیز بن عبد اللہ بن محمد آل الشيخ

محمد بن صالح العثیمی ناصر بن حمد الراشد

عبدالله بن محمد بن ابراهيم آل الشيخ محمد بن عبدالله السبيل محمد بن سليمان

البدرعبدالرحمن بن حمزة المزروقي راشد بن صالح بن خنيد. عبدالله بن

عبدالمحسن التركي عبدالله بن عبدالرحمن الغديان د. عبدالوهاب بن ابراهيم

أبوسليمان محمد بن ابراهيم بن جبيرمحمد بن زياد آل سليمان د. صالح بن فوزان

الفوزان د. صالح بن عبدالرحمن الأطرمحسن بن جعفر العتمى د. بكر بن عبدالله

ابوزيد

* * *

[١٧٤]

ترجمه بيانيه هيئت علمای بزرگ سعودی

الحمد لله، و الصلاة و السلام على رسول الله، و على آله و صحبه و من اهتدى بهداه،

اما بعد:

هیئت «کبار العلماء» در جلسه چهل و نهم که در طائف از تاریخ ۱۴۱۹/۴/۲

هجری قمری تشکیل شد، حوادثی را که در کشورهای اسلامی و غیر آن، از تکفیر

و انفجارها و امور ناشی از آن، از خونریزی ها و نابود کردن مؤسّسات مختلف

اتفاق افتاده، مورد بررسی قرار داد، و نظر به اهمیّت این موضوع و پی آمدهای آن،

اعمّ از کشتن بی گناهان و اتلاف اموال، و ایجاد رعب و وحشت در مردم، و ایجاد

ناامنی و تزلزل و بی ثباتی در جامعه، مجلس تصمیم گرفت حکم این موضوع را

طیّ بیانیه ای به عنوان خیرخواهی الهی بندگان خدا و ادای تکلیف، و رفع هرگونه

اشتباه از کسانی که گرفتار اشتباه در مفاهیم اسلامی شده اند، روشن سازد. به

همین دلیل نکات زیر را یادآور می شود و از خداوند توفیق می طلبد:

۱- تکفیر (کسی را کافر دانستن) یک حکم شرعی است که باید معیارش از سوی

خدا و رسول او تعیین گردد، همان گونه که حلال و حرام و واجب باید از سوی

خدا باشد، همچنین تکفیر، و گفتار و رفتاری که (در کتاب و سنت) گناه کفر بر

آن اطلاق شده به معنی «**کفر اکبر**» که سبب خروج از دین اسلام می شود، نیست.

بنابراین - چون باید حکم به کفر از سوی خدا و رسولش باشد -

[۱۷۰]

جایز نیست کسی را تکفیر کنیم مگر این که دلیل روشنی از کتاب و سنت بر کفر

او گواهی دهد، و گمان و احتمال هرگز کافی نیست، زیرا احکام سنگینی بر این

حکم بار می شود. هنگامی که ما، در مورد حدود معتقدیم طبق قاعده «**الحدود**

تدرء بالشبهات» باید بدون قطع و یقین اقدام نکنیم، مسلماً مسأله «تکفیر» به

خاطر آثار مهمی که دارد از حدود مهم تر است و لذا پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همگان را از تکفیر کسی که واقعاً کافر نیست، بر حذر داشت و فرمود: هر کس به برادر مسلمانش بگوید: ای کافر! اگر راست بگوید، طرف مقابل گرفتار عذاب الهی می شود و اگر دروغ بگوید به خودش باز می گردد.

گاه در کتاب و سنت تعبیری دیده می شود که فلان سخن یا عمل یا اعتقاد موجب کفر است، در حالی که موانعی وجود دارد که جلو این حکم را می گیرد، و این مانند احکام دیگری است که بدون اجتماع اسباب و شرایط و نفی موانع حاصل نمی گردد، مثلاً ارث یکی از احکام الهی است که به سبب خویشاوندی صورت می گیرد ولی گاه موانعی وجود دارد که جلو این حکم را می گیرد، مانند اختلاف در دین. همچنین گاه کسی را اجبار بر ادای کلمات کفرآمیز می کنند در حالی که سبب کفر او نمی شود (چون مجبور شده است) و نیز گاهی انسان سخن

کفرآمیزی بر اثر شدت خوشحالی یا غضب و مانند آن می گوید (در حالی که از

حالت طبیعی خارج شده) و این موجب کفر او نمی شود چون قصدی ندارد، شبیه

داستان معروفی که کسی از

[۱۷۶]

شدت خوشحالی می گفت «خداوندا تو بنده منی و من پروردگار توأم!».

آثار مهم و خطرناکی بر شتاب در تکفیر مترتب می شود از جمله مباح شمردن خون

و مال آن شخص، و جلوگیری از ارث او و جدایی از همسرش و غیر اینها که از آثار

ارتداد است، بنابراین چگونه جایز است مسلمان به کمترین شبهه ای چنین نسبتی به

کسی بدهد (و این همه مسئولیت را بپذیرد؟).

حاصل این که : شتاب در تکفیر خطرات عظیمی دارد زیرا خداوند متعال

می فرماید : (قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْأَثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ

الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ). (۱)

(طبق این آیه هرگونه کار زشت و ظلم و شرک و نسبت ناروا و سخن بی دلیل

نسبت به خداوند حرام شمرده است).

۲- آنچه از این عقیده باطل (نسبت شرک به مسلمین) حاصل شده، یعنی خون ها را

مباح شمردن و عرض و آبروی مردم را بردن و اموال آنها را غارت کردن و منفجر

ساختن خانه ها و وسایل نقلیه و مراکز اداری و تجاری، این اعمال و مانند آن به

اجماع همه مسلمین حرام و گناه است، زیرا سبب هتک حرمت نفوس و اموال است

و امنیت و آرامش زندگی مردمی را که در خانه ها و مراکز کار صبح و شام

۱. اعراف، آیه ۳۳ .

[۱۷۷]

رفت و آمد دارند از بین می برد، و مصالح عمومی جامعه را که بدون آن نمی توانند

زندگی کنند بر باد می دهد.

این در حالی است که اسلام اموال و اعراض و نفوس مسلمین را محترم شمرده و به

هیچ کس اجازه تجاوز به حریم آنها نمی دهد، و از آخرین اموری که پیغمبر

اکرم (صلی الله علیه وآله) در خطبه حجّه الوداع به همه مسلمانان ابلاغ کرد این بود

که فرمود: خون ها و اموال و اعراض شما بر یکدیگر محترم است مانند احترام

امروز (روز عید قربان) و احترام این ماه (حرام) و احترام این سرزمین مقدّس (مکه)

؛ سپس (برای تأکید) فرمود: خداوندا گواه باش (من آنچه را باید بگویم) گفتم!

این حدیث مورد اتفاق همه محدثان است.

و نیز فرمود: تمام هستی مسلمان بر مسلمان حرام است، خونش، مالش و ناموس و

عرضش و نیز فرمود: از ظلم پرهیزید که ظلم در قیامت ظلمات است.

و نیز خداوند سبحان کسی را که خون بی گناهی را بریزد به اشد مجازات تهدید

کرده و فرمود: «هر کس فرد با ایمانی را عمداً به قتل برساند، مجازاتش دوزخ است

و برای همیشه در آن خواهد ماند و خداوند او را مورد غضب و لعن خود قرار

خواهد داد و مجازات عظیمی برای او قرار داده است». (۱)

و نیز درباره قتل سهوی کافری که در امان مسلمین زندگی می کند،

[۱۷۸]

فرموده «باید دیه و کفاره بدهید». (۱)

با این حال قتل عمد او چه حکمی خواهد داشت. به یقین جرم او عظیم تر و گناه

آن سنگین تر خواهد بود.

در حدیث صحیح از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) آمده است کسی که غیر

مسلمانی را که با مسلمین پیمان دارد به قتل برساند، هرگز بوی بهشت را نخواهد

شنید!

۳- این مجلس با توجه به حکمی که در بالا نسبت به تکفیر مردم بدون دلیل از

کتاب و سنت صادر کرده و اهمیت آن را به سبب آثار شوم و گناهای که بر آن

مرتّب می شود، بیان داشته به تمام مردم جهان اعلام می کند که اسلام از این گونه

عقیده های باطل بیزار است و آنچه در بعضی از کشورها از ریختن خون

بی گناهان و منفجر ساختن مساکن و مرکب ها و مراکز عمومی و خصوصی و

تخریب کارگاه ها و مانند آن صورت می گیرد، عملی جنایت کارانه می داند که

اسلام از آن بیزار است. همچنین هر مسلمانی که به خدا و روز جزا ایمان دارد از

این اعمال بیزار می باشد، و این کارها تنها کار کسانی است که دارای افکار

منحرف و گمراهند و گناه و جرم آن به گردن آنهاست و هرگز نباید به حساب

اسلام و مسلمانانی که به هدایت اسلام هدایت شده اند و متمسک به کتاب و سنت

و پیرو قرآن مجیدند، گذارد. این کارها فساد و جنایت بزرگی است که شریعت

اسلام و فطرت پاک

۱. برگرفته از آیه ۹۲ سوره نساء .

[۱۷۹]

انسانی آنها را نمی پذیرد.

لذا روایات اسلامی به طور قاطعانه آن را تحریم کرده، و از همنشینی با این گونه

افراد بازداشته است...»

سپس این بیانیّه با آیات و روایاتی که نشان می دهد اسلام دین محبت و دوستی و

تعاون در نیکی و تقوی و گفتگوی منطقی و حکیمانه و پرهیز از هرگونه خشونت

و پرخاشگری است، پایان داده شده است. (۱)

* * *

تحلیل کوتاهی در مورد این بیانیه

این بیانیه که به امضای برترین مقام مذهبی وهابیت عربستان در عصر خودش یعنی

«عبدالعزیز بن عبدالله بن باز» و ۲۰ نفر از علمای طراز اول آنان رسیده و کمی قبل

از فوت آن عالم معروف مذهبی وهابی تهیه شده، حاوی نکات مهمی است که به

بعضی از آن ذیلا اشاره می شود:

۱- گرچه سزاوار بود این بیانیه پیش از آن همه خونریزی و هتک نفوس و اموال و

اعراض منتشر می شد، و بی شباهت به نوشداروی بعد از مرگ سهراب نیست، ولی

با توجه به این که ضرر را از هر جا

۱. این بیانیه در بسیاری از جراید و مطبوعات عربستان سعودی انتشار یافت و ما

آن را از کتاب معجم طبقات المتکلمین، جلد ۴، صفحه ۱۰۰ نقل کردیم.

[۱۸۰]

جلوگیری کنند سود و منفعت است، جای تقدیر و تشکر فراوان دارد که در برابر

گروه تندروان که مدعی پیروی از دستورات شارع هستند، اتمام حجت بسیار قوی

و گویا شده است و روشن ساخته اند آنها که پیرو این بیانیه نیستند، پیروان هوی و

هوس های خویشتن می باشند نه دستورات اسلامی و در یک کلمه **اسلام از این**

کارها بیزار است.

۲- این بیانیه عملاً راه را برای نقد افکار و عقاید شیخ محمد بن عبدالوهاب گشوده

که حتی وهابیان می توانند با حفظ احترام او، افکارش را نقد کنند و به جمع بندی

معتدل تری در آیین و هابیت برسند که بتوانند با سایر مسلمین جهان تعامل خوبی داشته باشند.

۳- این بیانیه که با تعبیراتی حساب شده همراه است به تندروان وهابی اعلام می کند که دوران تکفیر مسلمین گذشته است، و نباید و نمی توان هر کس را که موافق افکار آنها نیست، متهم به کفر کرد و جان و مال و عرض او را بر باد داد، و این کار ممکن است سبب کفر عامل آن گردد.

۴- این بیانیه خدمت خوبی به جهان اسلام می کند و چهره کریه خشونت باری را که این گروه، از اسلام، در برابر جهانیان ترسیم کرده اند تا حدّ زیادی اصلاح می کند و نشان می دهد مسلمانان واقعی از این کارها بیزارند، گرچه برچیدن آثار منفی آن اعمال خشونت بار که سالیان دراز انجام شده به این آسانی ممکن نیست،

به خصوص این که بهانه خوبی به دست ارباب کلیسا و صهیونیست ها داده، که آن

را

[۱۸۱]

چهره واقعی اسلام معرفی کنند و جهانیان را از آن بترسانند، پناه بر خدا از زیان های

جاهلان، امیدواریم خداوند همه را به راه راست هدایت فرماید و از دام شیطان

برهاند.

* * *

[۱۸۲]

[۱۸۳]